

The Birth of Mary and Jesus in the *Gospel of Jacob*, the Four Gospels and the Holy *Qur'an*



Sayyed Hadi Dadgar

Graduated with a Ph. D. in *Qur'an* and Hadith Studies, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran (Hadi.sd63@gmail.com).

Abstract

The *Gospel of Jacob* is one of the famous unofficial gospels (Apocrypha). In it, the birth and childhood of Mary and Jesus Christ have been discussed in detail. Studying and comparing these two stories in the *Gospel of Jacob* with the *Qur'an* is important in many ways. The explanations of these two stories in the *Gospel of Jacob* have similarities with the narration of the *Qur'an* and are closer to the *Qur'an* and more harmonious with it than what is stated in the official Bibles. The study of these gospels, which for whatever reason have received less attention in the Christian world, and their comparison with the *Qur'an* can reveal the intertextual relationships between the *Qur'an* and previous religious texts; As it can be understood, the audiences of the *Qur'an* probably felt the need to receive revelation from the Prophet Muhammad in order to solve what problems and discover what ambiguities. In the upcoming study, by reviewing the stories of the birth and childhood of Mary and the birth of Jesus Christ in the *Qur'an*, the official Gospels and the *Gospel of Jacob*, we will defend the greater similarity of the Quranic story with the *Gospel of Jacob* in comparison with the official Gospels.

Keywords: *Gospel of Jacob*, Apocrypha, Official Gospels, Maryam ibna 'Imrān, Jesus Christ.

Review Paper

Received: 8/ 11/ 2022, accepted: 29/ 12/ 2022, and published: 29/ 12/ 2022, Pages: 270-292.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

© 20.1001.1.52942783.1401.3.1.12.5

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



ولادت مریم و عیسی (ع) در انجیل یعقوب، اناجیل اربعه و قرآن کریم

سیده‌های دادگر

دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Hadi.sd63@gmail.com).

چکیده

انجیل یعقوب یکی از اناجیل معروف غیررسمی (آپوکریفا) است. در آن به ولادت و کودکی مریم و عیسی (ع) به تفصیل پرداخته شده است. مطالعه و بررسی تطبیقی این دو داستان در *انجیل یعقوب* با قرآن کریم از جهات مختلفی حائز اهمیت است. توضیحات این دو داستان در *انجیل یعقوب* شباهت‌هایی با روایت قرآن دارد و از آن‌چه در اناجیل رسمی آمده، به قرآن نزدیک‌تر و با آن هماهنگ‌تر است. مطالعه این اناجیل که به هر علتی در دنیای مسیحیت کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند و مقایسه آن‌ها با قرآن می‌تواند روابط بینامتنی قرآن با متون دینی پیش از خود را بازنماید؛ آن‌سان‌که بتوان دریافت مخاطبان قرآن احتمالاً با ذهنیتی که در اثر آشنایی با چنین متونی شکل گرفته بود، خود را نیازمند دریافت وحی به پیامبر (ص) برای حل چه مشکلاتی و کشف چه ابهاماتی احساس می‌کرده‌اند. در مطالعه پیش‌رو بناست با مرور داستان‌های ولادت و کودکی مریم و ولادت عیسی (ع) در قرآن، اناجیل رسمی و *انجیل یعقوب* از شباهت بیش‌تر داستان قرآنی با *انجیل یعقوب* در قیاس با اناجیل رسمی دفاع کنیم.

کلیدواژه‌ها: *انجیل یعقوب*، آپوکریفا، اناجیل رسمی، مریم بنت عمران (س)، عیسی (ع).

مقاله مروری

دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۷، پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۸، نشر: ۱۴۰۱/۱۰/۸، صفحه ۲۷۰ تا ۲۹۲.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۲۷۸۳-۵۲۹۴

شاپای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۵۳۰۸

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.1.12.5

درآمد

مسیحیان چنین برآورد کرده‌اند که عیسی (ع) در حدود سال ۳۰م از دنیا رفت. البته مسلمانان طبق تصریح قرآن معتقد اند وی کشته نشد؛ بل که به آسمان عروج نمود (بنگرید به: نساء/ ۱۵۸-۱۵۷). به باور مسیحیان عیسی (ع) خود سفارش کرده بود یارانش مؤدّه ولادت او و آزادی انسان‌ها از بار گناه در پی این ولادت را به همگان برسانند. تا مدت‌ها پس از دوران عیسی (ع)، سرگذشت، خاطرات و کلمات عیسی (ع) به صورت شفاهی در میان پیروان و دوست‌دارانش رواج داشت؛ تا این‌که بیش‌تر سنت‌های شفاهی مسیحیان به دست تنی چند از نویسندگان مسیحی در فاصله سال‌های ۶۰-۱۰۰م به صورت مکتوب درآمد. عمده این آثار انجیل — یعنی بشارت — نام گرفتند؛ زیرا قرار بود بشارت ولادت عیسی (ع) و نجات انسان را دربر داشته باشند (بنگرید به: کلباسی، *مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس*، ۲۸۲).

از جمله این آثار، همان انجیل‌های چهارگانه بود که زندگی‌نامه و سخنان عیسی (ع) را دربر داشت. برپایه برآوردها، این چهار انجیل میان سال‌های ۶۵ تا ۱۰۰م نوشته، و میان سال‌های ۱۸۰-۱۵۰م نیز رسمی و قانونی^۱ شدند. افزون‌بر این چهار انجیل، ده‌ها کتاب دیگر در همین دوره و بعد از آن با هدف رساندن بشارت ولادت عیسی (ع) پدید آمدند؛ اما اعتبار محتوای‌شان به اجماع مسیحیان متأخرتر نرسید.

از این انجیل‌ها تحت عنوان اناجیل غیررسمی، غیرقانونی یا آپوکریفا^۲ نام برده می‌شود. آپوکریفا در لغت به معنای مشکوک، پنهان، کاذب و پوشیده آمده است. برای نمونه می‌توان به اناجیلی با نام‌های انجیل توماس، انجیل کودکی، انجیل مریم (س)، *انجیل یعقوب* و... اشاره نمود. نگارش این آثار تا چندین سده پس از دوره نگارش و قانونی شدن چهار انجیل رسمی ادامه یافت. شمار این اناجیل ۵۴ کتاب است. نویسندگان مسیحی این اناجیل را به صورت‌های مختلف دسته‌بندی کرده‌اند. گرچه محتوای همه آن‌ها زندگی و سخنان عیسی (ع) است، قالب و چارچوب چهار انجیل رسمی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

1. Canonized.
2. Apocrypha.

برخی از این اناجیل صرفاً سخنان، و برخی دیگر هم صرفاً معجزاتی از عیسی (ع) را باز می‌گویند. برخی از آن‌ها حوادثی از زندگی عیسی (ع) و مادر او مریم (س) را دربر می‌گیرند. برخی نیز توضیحاتی درباره فردی به نام یوسف بازمی‌نمایند که برپایه باور برخی فرقه‌های مسیحی متقدم شوهر مریم یا حتی پدر عیسی (ع) بود. نسخه‌های کاملی از برخی از این نوشته‌ها موجود است و از برخی از آن‌ها صرفاً پاره‌هایی به جای مانده، و از برخی دیگر نیز فقط جملاتی باقی است که عالمان سده‌های نخست مسیحی آن‌ها را در ضمن آثار خود نقل کرده‌اند.

آشنایی با این اناجیل دست‌کم از دو جهت اهمیت دارد؛ یکی این‌که فضای فرهنگی عصر انجیل‌نویسی را در سده‌های نخست میلادی نشان می‌دهد؛ و دیگر این‌که به مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین کمک می‌کند؛ زیرا — در برخی موارد که میان قرآن کریم و اناجیل رسمی اختلاف است — گاهی برخی از اناجیل غیررسمی حادثه را شبیه‌تر به قرآن نقل کرده‌اند (برای توضیح بیشتر، بنگرید به: سلیمانی، «اناجیل غیررسمی»، ۲۱۱-۲۰۹).

طرح مسئله

یکی از اناجیل غیررسمی *انجیل یعقوب* است. مؤلف آن خود می‌گوید:

من، یعقوب، که این تاریخ را نوشتم، هنگامی که در اورشلیم در زمان مرگ هیرودیس غوغایی به پا شد به بیابان رفتم تا این‌که غوغا در اورشلیم پایان پذیرد. خداوند را ستایش می‌گویم که به من حکمتی داد تا این تاریخ را بنویسم. فیض الهی بر کسانی باد که از خداوند می‌ترسند (*انجیل یعقوب*، ۲۵).

با فرض صحت این انتساب و بنابر آگاهی‌ها درباره زمان سلطنت هیرودیس که در *عهد جدید* و *انجیل یعقوب* هم آمده (*انجیل متی*، ۲: ۱-۳؛ *انجیل یعقوب*، ۲۲: ۱-۲)، مؤلف *انجیل یعقوب* معاصر عیسی (ع) بوده است. حتی درباره وی گفته‌اند شاید او برادر عیسی (ع) است (بنگرید به: سلیمانی، «اناجیل غیررسمی»، ۲۱۱). قدیم‌ترین نسخه خطی یافت‌شده از این نوشته مربوط به سده ۳م است و بر آن عنوان *میلاد مریم (س): مکاشفه یعقوب* دیده می‌شود (فغالی، *المدخل الی کتاب المقدس*، ۴/۳۱۲).

این نوشته قابل توجه و تأمل برانگیز می‌نماید؛ زیرا بخش عمده‌ای از آن، یعنی تولد مریم (س) در اناجیل قانونی نیامده است. این حکایت در قرآن هم ذکر شده است. می‌توان این دو

روایت را با هم‌دیگر مقایسه کرد. تولد عیسی (ع) که در انجیل متی و لوقا آمده، در *انجیل یعقوب* متفاوت، و از جهاتی قابل مقایسه با روایت *قرآن* مجید از آن حکایت نقل شده است. با توجه به دست‌دوم بودن *اناجیل آپوکریفایی* در دنیای مسیحیت، مسلمانان نیز توجه زیادی به آن‌ها نشان نداده‌اند. بیش‌تر پژوهش‌های تطبیقی معاصر نیز درباره *اناجیل رسمی* صورت گرفته‌اند. از معدود نشانه‌های توجه جامعه علمی ایران به مطالعه *انجیل یعقوب* می‌توان مقاله عبدالرحیم سلیمانی با عنوان «تولد و کودکی عیسی (ع) در دو انجیل غیررسمی» را یاد کرد (*هفت آسمان*، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۶ش). سلیمانی در این مطالعه ترجمه‌ای هم از *انجیل یعقوب* ارائه می‌کند.

در مطالعه کنونی بناست با مرور این ترجمه و مقایسه تفصیلی گزارش‌های آن درباره ولادت و کودکی مریم و تولد عیسی (ع) با *قرآن* و *اناجیل اربعه* پاسخ سؤالی چند را دریابیم: اولاً، روایت‌های این آثار از داستان‌های یادشده چه وجوه اشتراک و تمایزی با هم دارد؛ ثانیاً، آیا وجوه تشابه میان تحریر قرآنی داستان با *اناجیل رسمی* بیش‌تر است یا وجوه تشابه آن با تحریر *انجیل یعقوب*؛ و ثالثاً، از این وجوه شباهت و تفاوت به وجود چه روابط بینامتنی‌ای می‌توان پی برد.

۱. شرح داستان ولادت و کودکی مریم (س)

ولادت و کودکی مریم (س) بحثی است که هیچ‌کدام از *اناجیل چهارگانه* به آن نپرداخته‌اند؛ اما بحث اصلی *انجیل یعقوب* ولادت مریم و عیسی (ع) و پیشامدها و مسائل حول این دو امر است.

۱-۱) کودکی مریم (س) در *انجیل یعقوب*

در این اثر به تفصیل و با ارائه جزئیات بسیار درباره داستان ولادت مریم (س) صحبت شده، و این داستان جز در مواردی جزئی با *قرآن* کریم قابل مقایسه است. در مقام مقایسه این داستان در *قرآن* با *انجیل یعقوب* لازم است نخست خلاصه‌ای از داستان ولادت و کودکی مریم (س) در *انجیل یعقوب* مرور شود:

فردی ثروتمند و نیکوکار با نام یواخیم پدر مریم (س) از فرزندان اسرائیل صاحب فرزند نمی‌شد. به این سبب مورد تعریض و اذیت قوم بنی اسرائیل قرار می‌گرفت. وی بسیار غمگین شد. به بیابان رفت و در آن‌جا خیمه‌ای بر پا داشت. چهل

شبانه روز روزه گرفت و با خود گفت: به سوی غذا و نوشیدنی نخواهم رفت تا خدا به من نظر کند؛ پس غذا و نوشیدنی من دعا خواهد بود (انجیل یعقوب، ۱: ۴-۱).
همسر یواخیم، حنه نام داشت که وی نیز به سبب نازا بودن مورد ملامت و تمسخر دیگران قرار می‌گرفت و از این بسیار ناراحت بود. حتی مرثیه‌هایی در وصف حال خویش می‌سرود (انجیل یعقوب، ۲: ۱، ۳: ۱-۲).

فرشته خدا نزد حنه رفت و به وی بشارت داد که خدا دعای تو را مستجاب نموده است و فرزندی به تو خواهد داد که همه عالم درباره نسل تو سخن خواهند گفت. همان‌جا حنه نذر کرد و گفت: «به خدای زنده قسم، اگر کودکی بیاورم، چه پسر و چه دختر، به عنوان هدیه‌ای به خدای خود پیشکش خواهم کرد و او در تمام زندگی‌اش خدا را خدمت خواهد نمود». همین بشارت فرزندی هم از سوی فرشته به یواخیم داده شد (انجیل یعقوب، ۴: ۱-۲).

بعد از آن‌که نه ماه آبستنی حنه پایان یافت، دختری به دنیا آمد. نام وی را مریم گذاشتند (انجیل یعقوب، ۵: ۲). حنه در تربیت کودک بسیار تلاش می‌کرد؛ به طوری که در اتاق خواب او محرابی ساخت و آن‌جا را از هر چیز معمولی و غیرطاهر خالی کرد. او دختران پاکیزه عبرانی را فراخواند و آنان سرگرمی کودک را فراهم کردند. حنه بابت این نعمت الهی بسی شکرگزار بود (انجیل یعقوب، ۶: ۱-۲).

وقتی مریم (س) دو ساله شد پدرش گفت باید وی را برای ادای نذر به معبد برند؛ اما مادرش گفت که تا سه سالگی صبر کنیم و بعد او را به معبد بسپاریم؛ تا کودک در جستجوی پدر و مادر نباشد. یواخیم قبول نمود. بعد از آن‌که مریم سه ساله شد، او را با انجام دادن آدابی به معبد سپردند. در این‌جا کاهن کودک را بوسید و گفت: «خداوند نام تو را در میان همه نسل‌ها عظمت داده است. خداوند به خاطر تو در پایان دوران، نجات خود را به فرزندان اسرائیل ارزانی خواهد داشت» (انجیل یعقوب، ۷: ۱-۲). با توجه به این‌که در ادامه، کاهن اعظم معبد زکریا معرفی می‌شود و هم‌چنین با توجه به پیش‌گویی این کاهن درباره پایان دوران، احتمالاً کاهن مذکور همان زکریا (ع) باشد که در قرآن و اناجیل رسمی هم ذکر او رفته، و ترویج چنین آموزه‌هایی به او منتسب شده است.

مریم (س) در معبد پرورش می‌یافت و از دست فرشته غذا می‌گرفت (انجیل یعقوب، ۸:

۱). سپس وی دوازده‌ساله شد. کاهنان شورایی تشکیل دادند و گفتند: «توجه کنید، مریم در معبد خدا دوازده‌ساله شده است؛ چه باید کرد؟؛ مبدا او محراب را آلوده کند!». آنان به کاهن اعظم — زکریا — گفتند: «تو برای کار مریم دعا کن و ما هر چه را خدا بر تو مکشوف کند انجام خواهیم داد» (انجیل یعقوب، ۸: ۲-۳).

کاهن اعظم ردایی دارای دوازده زنگوله برگرفت، وارد قُدس الاقداس شد، و برای کار مریم دعا کرد. ناگهان فرشته خداوند را دید که پیش‌روی او ایستاده، به او می‌گوید: «زکریا، زکریا! خارج شو و مردان بیوه قوم را جمع کن. از آنان بخواه که عصای خود را بیاورند. به هر کدام که خدا نشانه‌ای عطا کند، مریم همسر او خواهد بود». منادی‌ها در سراسر کشور یهودیه پراکنده شدند و شیپور نواختند. همه به سوی معبد دویدند (همان‌جا).

فردی به نام یوسف نیز با جمعی آمد. همه داوطلبان عصاهای خود را برداشته نزد کاهن اعظم رفتند. کاهن عصاها را از آنان گرفت و وارد معبد شد و دعا خواند. چون دعا را به پایان رساند، عصاها را برداشت و بیرون آمد و به آن‌ها داد؛ اما هیچ نشانه‌ای برای آن‌ها نبود. یوسف آخرین عصا را گرفت و دید که کبوتری از آن بیرون آمد و گردِ سرِ یوسف پرواز کرد. کاهن به یوسف گفت: «ای یوسف، قرعه نیک بر تو افتاد که باکره خداوند را بگیری و از او محافظت کنی». یوسف پاسخ داد: «من دارای پسرانی هستم و پیر شده‌ام؛ اما او دختر کم‌سالی است. می‌ترسم که مضحکه بنی اسرائیل شوم». کاهن به یوسف گفت: «از خداوند خود بترس و به یاد آور همه آن اموری را که خدا بر سر داتان، ابیرام و قورح آورد؛ به یاد آور چه‌گونه زمین به خاطر مخالفت‌شان دهان باز کرد و آنان را بلعید. اکنون ای یوسف، بترس که همین امر در خانه تو رخ دهد». پس یوسف ترسید و مریم را تحت مراقبت خود گرفت (انجیل یعقوب، ۹: ۲-۱).

۱-۲) ولادت مریم (س) در قرآن

در قرآن هم چند آیه‌ای درباره ولادت مریم (س) و تکفل او آمده است:

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَّيْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا

الْمِحْرَابِ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.... ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَا مَهْمُ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (آل عمران/ ۳۵-۴۴).

ترجمه عبدالمحمد آیتی: و زن عمران گفت: ای پروردگار من، نذر کردم که آنچه در شکم دارم از کار این جهانی آزاد و تنها در خدمت تو باشد. این نذر را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی. چون فرزند خویش بزاد، گفت: ای پروردگار من، این که زاییده‌ام دختر است — و خدا به آنچه زاییده بود داناتر است — و پسر چون دختر نیست. او را مریم نام نهادم. او و فرزندانش را از شیطان رحیم در پناه تو می‌آورم. پس پروردگارش آن دختر را به نیکی از او بپذیرفت و به وجهی پسندیده پرورشش داد و زکریا را به سرپرستی او گماشت.

و هر وقت که زکریا به محراب نزد او می‌رفت، پیش او خوردنی می‌یافت. می‌گفت: ای مریم، اینها برای تو از کجا می‌رسد؟ مریم می‌گفت: از جانب خدا زیرا او هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد. در آنجا زکریا پروردگارش را ندا داد و گفت: ای پروردگار من، مرا از جانب خود فرزندی پاکیزه عطا کن، همانا که تو دعا را می‌شنوی. پس هم چنان که در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان ندایش دادند: خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد. او کلمه خدا را تصدیق می‌کند و خود مهتری است بیزار از زنان و پیامبری است از شایستگان.

گفت: ای پروردگار من، چگونه مرا پسری باشد، در حالی که به پیروی رسیده‌ام و زخم نازاست؟ گفت: بدان سان که خدا هر چه بخواهد می‌کند. گفت: ای پروردگار من، برای من نشانه‌ای پدیدار کن. گفت: نشان تو این است که سه روز با مردم سخن نگویی مگر به اشاره و پروردگارت را فراوان یاد کن و در شبانگاه و بامداد او را بستای. و فرشتگان گفتند: ای مریم، خدا تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان جهان برتری داد. ای مریم، از پروردگارت اطاعت کن و سجد کن و با نمازگزاران نماز بخوان.

چنان‌که دیده می‌شود، قرآن در حد چند آیه به ولادت و کودکی مریم (س) پرداخته است و در مقام مقایسه، انجیل یعقوب توضیحات مبسوط‌تری در این باره دارد.

۳-۱) وجوه اختلافی قرآن و انجیل یعقوب

یک فرق آشکار دو روایت نام پدر مریم (س) است. قرآن پدر مریم (س) را عمران معرفی

می‌کند (آل عمران / ۳۵؛ تحریم / ۱۲)؛ در حالی که *انجیل یعقوب* پدر وی را فردی با عنوان یواخیم شناسانده است (برای نمونه، بنگرید به: *انجیل یعقوب*، ۱: ۱، ۵: ۱).
 فرق دیگر ارائه جزئیات بسیار در *انجیل یعقوب*، و اختصار داستان در *قرآن* است. ارائه جزئیات درباره یک داستان همواره به معنای مخالفت دو نقل نیست. بااین حال، از آن جاکه *انجیل یعقوب* به تفصیل وارد داستان مریم (س) و پسرش شده، به ذکر جزئیات پرداخته، و به این کتاب ماهیت داستانی داده است.

۲. وجوه مشابهت دو متن

از این دو تفاوت که بگذریم، شباهت‌های قابل توجهی نیز می‌توان در میان دو متن دید.

۱-۲) نذر مادر و تقبل الهی

یک وجه شباهت دو متن این است که در هر دو از نذر مادر مریم (س) سخن می‌رود. در آیه ۳۵ سوره آل عمران مشاهده می‌کنیم که زن عمران نذر می‌کند آن چه در بطن دارد آزاد کند. طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد:

مراد از تحریر فرزند — خواه به وسیله پدر یا مادر — تحریر از بردگی نیست؛ یعنی دختر عمران برده نبود که مادرش او را آزاد کند. مراد از تحریر در این آیه آزاد کردن از قید ولایتی است که والدین بر فرزند خود دارند و با داشتن آن ولایت او را تربیت می‌کنند و در مقاصد خود به کار می‌برند. از آن سو، اطاعت‌شان هم بر فرزند واجب می‌شود. به بیان دیگر، تحریر آن است که پدر و مادر فرزندشان را به خدمت نگیرند. اگر این تحریر به وسیله نذر و به خاطر خدا انجام شود معنایش آن است که فرزند در ولایت خدا داخل شده است، تنها باید او را بپرستد و خدمت کند. خدمت خدا کردن نیز به این است که در مسجد، کلیسا و اماکن مقدسه‌ای که مختص عبادت خداست خدمت کند؛ درحالی‌که اگر این نذر نبود، فرزند می‌بایست پدر و مادر خود را خدمت می‌کرد (طباطبایی، *المیزان*، ۱/ ۴۳۹).

پذیرش این تفسیر مستلزم قبول این معناست که *قرآن* به نذر مادر طفل برای خدمت‌گزاری او در مکانی مقدس اشاره کرده است.

درباره همین نذر در *انجیل یعقوب* می‌خوانیم:

حنه پس از بشارتی که از فرشته درباره آستنی اش شنید گفت: «به خدای زنده قسم اگر کودکی بیاورم، چه پسر چه دختر، هم چون هدیه‌ای به خدای خود پیش‌کش خواهم کرد و او در تمام زندگی اش خدا را خدمت خواهد گزارد» (انجیل یعقوب، ۴: ۱).

در جای دیگر نیز گفته می‌شود که یواخیم شوهر حنه پس از آن‌که مریم (س) دو ساله شد به همسرش حنه گفت بیا نذرمان را ادا نمایم و مریم (س) را به معبد بریم (انجیل یعقوب، ۷: ۱). پس وجود مضمون نذر هم در قرآن و هم در انجیل یعقوب را باید از وجوه تشابه این دو متن دانست.

شبهات دیگر داستان قرآنی مریم (س) با مضمون انجیل یعقوب، بحث از تقبل الهی در هردو است. در قرآن مجید گفته می‌شود: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران/ ۳۷)؛ عبارتی که نشان از قبول نذر مادر مریم (س) و پذیرفته شدن وی به درگاه الهی و هم چنین تربیت و پرورش وی مطابق خواست خدا دارد.

می‌توان گفت احتمالاً جزئیاتی در انجیل یعقوب هم این عبارات کلی قرآن را بیان می‌کنند. بر پایه انجیل یعقوب، وقتی والدین مریم (س) وی را با انجام دادن آداب و مراسمی به معبد و نزد کاهن بردند و پس از آن‌که کاهن در شأن مریم (س) عباراتی گفت:

کاهن کودک را بر پله سوم مذبح گذاشت و خداوند خدا فیض خود را بر کودک قرار داد. کودک با مسرت بر پاهای خود رقصید. همه خاندان اسرائیل او را دوست داشتند. والدین او با تعجب و با سپاس و تمجید خدای قادر به‌خاطر این‌که کودک به سوی آنان بازگشت، به خانه بازگشتند. مریم در معبد مانند کبوتری آرام پرورش می‌یافت (انجیل یعقوب، ۷: ۲-۳، ۸: ۱).

۲-۲) رزق الهی برای مریم (س)

آیه ۳۷ سوره آل عمران دلالت بر مرزوق بودن مریم (س) به رزق الهی دارد؛ چنان‌که زکریا (ع) از این شگفت زده می‌شود و از مریم (س) می‌پرسد این غذاها را از کجا آورده است. مریم (س) نیز به‌صراحت پاسخ می‌دهد این‌ها از جانب خداوند رسیده است:

كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

غذا گرفتن مریم (س) از دست فرشتگان امری است که در فقره از *انجیل یعقوب* به آن پرداخته شده است؛ یکی، زمانی که راوی متن در حال گزارش کیفیت پرورش مریم (س) در معبد است و مثلاً می‌گوید که مریم در معبد مانند کبوتری آرام پرورش یافت و غذا را از دست فرشته‌ای دریافت کرد (*انجیل یعقوب*، ۸: ۱)؛ دیگری، زمانی که یوسف و هم‌چنین کاهنان معبد به آستنی مریم (س) پی بردند و گمان کردند فحشائی مرتکب شده است. برپایه این فقرات، کاهنان به مریم (س) یادآوری می‌کنند وی تو همان کسی است که از دست فرشته غذا می‌گرفت (*انجیل یعقوب*، ۱۳: ۲، ۱۵: ۲).

اناجیل رسمی سخنی دربارهٔ مرزوق بودن مریم (س) نقل نکرده‌اند. این اناجیل اساساً به داستان ولادت، کودکی، خدمت مریم (س) در معبد و تکفل وی توسط کاهنان معبد در ایام کودکی پرداخته‌اند.

۳-۲) کفالت مریم (س)

کفالت مریم (س) در قرآن کریم در دو آیه مطرح شده است:

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا (آل عمران / ۳۷).
وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (آل عمران / ۴۴).

در *انجیل یعقوب* نیز — در جایی که گفته می‌شود مریم (س) را در حالی که طفلی سه‌ساله بود با انجام دادن آدابی به معبد برای خدمت به آن سپردند — از این سخن می‌رود که کاهن کودک را گرفت، بوسید، و گفت:

خداوند نام تو را در میان همه نسل‌ها عظمت داده است. خداوند به‌خاطر تو، در پایان دوران نجات، خود را به فرزندان اسرائیل ارزانی خواهد داشت (*انجیل یعقوب*، ۷: ۲-۱).

با توجه به توضیحاتی که قبلاً دربارهٔ این عبارت داده شد، به احتمال قوی کاهن مذکور زکریا (ع) است. این قسمت از *انجیل یعقوب* را با قرآن می‌توان به‌خوبی تطبیق داد؛ یعنی با توجه به این‌که در *انجیل یعقوب* نیز کاهن اعظم زکریا ست (برای نمونه، بنگرید به: *انجیل یعقوب*، ۸: ۳-۲)، هنگامی که مریم (س) کمی رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، او را به خدمت

کاهن اعظم که همان زکریا (ع) باشد، می‌آورند و فی الواقع کاهن اعظم در جایگاه مهم‌ترین مقام معبد، تکفل وی را به عهده می‌گیرد. این همان مطلبی است که قرآن نیز به آن تصریح می‌کند.

در آیه ۴۴ سوره آل عمران نیز گفته می‌شود که متکفل امر مریم (س) با انداختن قلم‌هایی مشخص شد؛ یعنی میان کاهنان قرعه کشیدند:

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَا مَهْمُ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ
وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (آل عمران/ ۴۴).

لازم است این آیه را با توجه به آیه ۳۷ سوره آل عمران بررسی، و در آن چارچوب معنا کنیم:

فَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا
الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا.

این آیه قبُول حَسَن از طرف خداوند و پرورش نیکوی مریم (س) و یافته شدن رزق توسط زکریا نزد مریم (س) را بیان می‌کند. پس باید قرعه‌کشی را توضیحی درباره کیفیت این تکفل تلقی کنیم. با این فرض، توضیحات قرآن با توصیفات *انجیل یعقوب* تقابل و تضادی پیدا می‌کند؛ زیرا انجیل یعقوب از این می‌گوید که مریم را نزد کاهن یا همان زکریا (ع) آوردند؛ مگر آن‌که بگوییم اساساً *انجیل یعقوب* کیفیت این تکفل را بیان ننموده، و از این مطلب رد شده است.

اگر بخواهیم تکفل مرتبط با قرعه را در آیه ۴۴ سوره آل عمران را با توجه به *انجیل یعقوب* معنا کنیم باید احتمال دهیم که قرعه و انداختن ارقام به رویداد دیگری در زمان نوجوانی مریم (س) بازمی‌گردد؛ زمانی که وی را در جوانی به تکفل یوسف پیر سپردند. همان طور که ذکر شد، وقتی مریم (س) دوازده ساله شد، شورایی از کاهنان برای جلوگیری از این‌که محراب خدا توسط مریم (س) — یعنی در اثر عادت ماهانه‌اش — آلوده نشود، تشکیل شد و آن‌ها حل این مسئله را به کاهن اعظم و دعای وی درباره مریم (س) سپردند. این‌گونه، براساس دستور الهی که توسط فرشته‌ای به زکریا (ع) رسید، زکریا دستور داد مردان زن‌مُردۀ قوم با عصای‌شان بیایند. درنهایت یوسف که فردی پیر بود و حتی پسرانی داشت با نشانه‌ای الهی برای کفالت مریم (س) انتخاب شد. حتی یوسف به خاطر پیری خود و کم‌سالی مریم (س) از این ایاء داشت، اما در نهایت به خاطر ترس از عذاب و عقاب الهی آن را پذیرفت.

به نظر می‌رسد کفالت مریم (س) توسط یوسف بیان همان مطلبی باشد که در قرآن درباره

قرعه‌کشی و انداختن ارقام برای تکفل وی ذکر می‌شود. در این‌جا بحث از عصاهاست که یوسف و دیگر مردان زن‌مردۀ آن بلاد با خود آورده‌اند و به زکریا می‌دهند. شاید بتوان عصا را نوعی قلم به‌شمار آورد؛ چنان‌که گفته‌اند منظور از قلم که جمع آن ارقام است، چوبه‌تیری است که بوسیله آن قرعه می‌اندازند (طباطبایی، المیزان، ۱۳/ ۱۹۰). منعی ندارد چنین قرعه‌ای با عصا کشیده شود.

شاهد دیگر نیز که می‌توان آورد همین است که قرعه در متن *انجیل یعقوب* هم یاد می‌شود:

کاهن به یوسف گفت: «ای یوسف، قرعه نیک بر تو افتاده تا باکره خداوند را بگیری و از او محافظت کنی» (*انجیل یعقوب*، ۹: ۲).

من [یوسف] به او [قابله] گفتم: «او مریم است، که در معبد خداوند پرورش یافت و من او را با قرعه به عنوان همسرم دریافت کردم. با این حال او همسر من نیست؛ اما او از روح القدس آستن شده است» (*انجیل یعقوب*، ۱۹: ۱).

با این توضیحات می‌توان تضاد و تقابل ظاهری موجود میان *قرآن* و *انجیل یعقوب* را برطرف نمود.

۴-۲) دیگر وجوه شباهت

نکته دیگری که در زمینه روابط بینامتنی *قرآن* و *انجیل یعقوب* لازم است موردتوجه قرار گیرد یادکرد حکایاتی مشابه منقولات این انجیل در منابع روایی و تفسیری مسلمانان است. برای نمونه، همان‌طور که در *انجیل یعقوب* اسم مادر مریم (س)، حنّه معرفی شده، در منابع اسلامی نیز همین نام برای وی ذکر شده است (بنگرید به: قمی، *التفسیر*، ۱/ ۱۰۱؛ عیاشی، *التفسیر*، ۱/ ۱۷۱؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ۲/ ۷۳۷؛ بیضاوی، *التفسیر*، ۲/ ۱۴؛ سیوطی، *الدر المنثور*، ۲/ ۱۸).

نمونه دیگر از این دست آن است که در *انجیل یعقوب* (۳: ۱) گفته می‌شود حنّه وقتی می‌بیند پرنده‌ای به جوجه‌اش غذا می‌دهد، احساساتش غلیان می‌کند و بر فرزند نداشتن خویش تأسف می‌خورد. این روایت در منابع اسلامی بارها آمده است (برای نمونه، بنگرید به: زمخشری، *الکشاف*، ۱/ ۳۵۵؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ۲/ ۷۳۷).

۳. ولادت عیسی (ع)

مطالعات تطبیقی درباره‌ی داستان ولادت عیسی (ع) در *قرآن* و اناجیل رسمی بارها صورت

گرفته است (برای نمونه، بنگرید به: فروغی، مظهري، سراسر هردو مقاله). کافی است نتایج این مطالعات را با *انجیل یعقوب* و متن *قرآن* مقایسه کنیم.

۱-۳) مروری بر داستان در *انجیل یعقوب*

درباره ولادت عیسی (ع) در *انجیل یعقوب* چنین گزارش می‌شود:

مریم کوزه را برداشت و بیرون رفت تا آن را از آب پر کند. دید که صدایی می‌گوید: «سلام بر تو که بسیار نعمت یافته‌ای. خداوند با تو ست. تو در میان زنان مبارک هستی». او به اطراف، به راست و چپ، نگاه کرد تا ببیند صدا از کجا می‌آید. هراسان به خانه رفت، کوزه را گذاشت و شروع به بافندگی نمود. دید که فرشته خداوند، جبرئیل، ناگهان پیش روی او ایستاد و گفت: «ای مریم، هراسان مباش، چون تو نزد خداوند همه چیز لطف یافته‌ای و از کلمه او آستن خواهی شد» (*انجیل یعقوب*، ۱۱: ۱-۳).

چون مریم این را شنید با خود اندیشید: «آیا من از خداوند، خدای زنده، آستن خواهم شد و مانند همه زنان خواهم زایید؟» فرشته خداوند آمده، به او گفت: «ای مریم، نه این‌گونه، چون قوتی از خداوند بر تو سایه خواهد افکند و به همین جهت مولود مبارک تو پسرِ اعلا خوانده خواهد شد. تو نام او را عیسی خواهی نهاد؛ چون او قوم خود را از گناهان‌شان نجات خواهد داد». همه این موارد در شانزده سالگی مریم (س) روی داد و او خود را از بنی اسرائیل مخفی می‌نمود (همان، ۱۲: ۲-۳). زمانی که مریم (س) شش ماهه حامله بود، یوسف از کارش نزد مریم (س) برگشت. وقتی مریم (س) را با آن شکم بزرگ دید، ناراحت شد و او را سرزنش نمود. مریم (س) گریه کرد، خود را پاک و بری دانست و اظهار داشت نمی‌داند آنچه در رَحْمَتِ هست از کجاست (همان، ۱۳: ۱-۳).

یوسف در فکر فرورفته، تصمیم به ترک مریم (س) به صورت مخفیانه گرفت؛ اما فرشته الهی به خوابش آمد و شرح ما وقع نمود و به این وسیله یوسف آرامش یافت و از تصمیم خود منصرف گردید (همان، ۱۴: ۱-۲).

پس از مدتی حَنّای کاتب مریم (س) را حامله دید؛ نزد کاهن اعظم آمد و گفت که یوسف باکره‌ای را که از معبد تحویل گرفته آلوده، و آن را حامله کرده است. کاهن اعظم نیز مأمورانی برای بررسی گفته‌های حنای کاتب فرستاد. ایشان آن گفته‌ها را تأیید نمودند. پس کاهن اعظم یوسف و مریم (س) را احضار نمود و از علت ناپاکی

ایشان پرسید؛ ولی هر دوی ایشان این ناپاکی را انکار نمودند (انجیل یعقوب، ۱۵: ۳-۱). کاهن اعظم گفت: «من آب محکومیت خداوند را به شما خواهم داد تا بنوشید و آن آب گناه شما را پیش چشمانتان آشکار خواهد ساخت». کاهن اعظم آب را گرفته، به یوسف داد تا بنوشد و او را به بیابان برهوت (به روستای بالای تپه) فرستاد. او سالم بازگشت. کاهن آب را به مریم نوشانید و او را به بیابان برهوت فرستاد و او نیز سالم بازگشت. همه مردم شگفت‌زده شدند؛ چون آب مقدس گناهی را در آنان نشان نداده بود. کاهن اعظم گفت: «خداوند خدا گناه شما را آشکار نساخته است؛ پس من هرگز شما را محکوم نمی‌کنم». او آنان را مرخص کرد. یوسف مریم را برداشت و شادمان در حالی که خدای اسرائیل را سپاس می‌گزارد، به سوی خانه خود روانه شد (همان، ۱۶: ۱-۲).

داستان به دنیا آمدن عیسی (ع) نیز چنین است:

یوسف و پسرانش و مریم (س) درحالی که بر الاغی سوار شده بود در راه بیت‌لحم بودند. بناگاه درد زایمان بر مریم (س) غلبه کرد (همان، ۱۷: ۱-۳). یوسف غاری در آن‌جا یافت و مریم را درون آن برد و او را در آن‌جا ترک کرد و پسرانش را به مراقبت از او گماشت. او بیرون رفت تا در منطقه بیت‌لحم قابله‌ای بیابد (همان، ۱۸: ۱).
... قابله با یوسف می‌رود؛ درحالی که ابری بر غار سایه افکنده است. سپس ابر محو شد و نور شدیدی در غار به وجود آمد؛ به گونه‌ای که چشم نمی‌توانست آن را تحمل کند. کم‌کم نور محو شد و کودک نمایان گردید. قابله از این‌که باکره‌ای زائیده در تعجب شد (همان، ۱۹: ۱-۳).

در ادامه داستان نیز گفته می‌شود که حکمایی به بیت‌لحم آمدند:

حکیمان گفتند: «کجاست نوزاد پادشاه یهودیان؟ چون ما ستاره او را در شرق دیده‌ایم و آمده‌ایم که او را پرستش نماییم». هنگامی که هیروдіس این مطلب را از آنان شنید، نگران شد و به آنان گفت: «بروید و جستجو کنید و هنگامی که او را یافتید به من بگویید تا من نیز آمده، او را پرستش کنم». آن حکیمان روانه شدند و دیدند ستاره‌ای که در شرق دیده بودند، پیش‌روی آنان می‌رود؛ تااین‌که آنان به غار رسیدند. ستاره بر روی سر کودک (روی غار) ایستاد و آن حکیمان کودک را همراه مادرش مریم دیدند. آن‌ها از کیسه خود، هدایای طلا، بخور و دُر بیرون آوردند. پس فرشته آنان را از بازگشت به یهودیه برحذر داشت و آنان از راه دیگر به مملکت خود بازگشتند. هنگامی که هیروдіس دریافت آن مردان حکیم او را فریب داده‌اند،

خشمگین شد و جلادان خود را فرستاد. به آنان دستور داد همه کودکان دوساله و کوچک‌تر را به قتل برسانند. هنگامی که مریم شنید کودکان را می‌کشند، نگران شد و کودک را برداشت و در پارچه‌هایی پیچید و در آخور گاوی خوابانید (انجیل یعقوب، ۲۱: ۱-۴، ۲۲: ۱-۲).

۲-۳) آبستنی مریم (س)

در سه متن موردنظر یعنی قرآن، انجیل اربعه و انجیل یعقوب کیفیت آبستنی مریم (س) به گونه‌های مختلفی آمده است. برخی از آن‌ها با یکدیگر قابل جمع اند. در قرآن مجید در این باره می‌خوانیم:

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (مریم/ ۲۲-۱۶).

بر پایه این آیات، مریم (س) به مکانی شرقی رفته، جدای از دیگران حجاب و ستری برای خود برگرفت. سپس روح خدا بر وی هم‌چون بشری زیبا جلوه کرد. مریم (س) هراسید که مردی به او تعرض کند. فرشته خود را رسول خدا برای عطای پسری پاک به مریم (س) شناساند. مریم (س) تعجب نمود و گفت چه‌طور بدون این‌که من با مردی باشم و بدون این‌که بدکار باشم، صاحب فرزندی توانم شد. فرشته گفت این برای خدا آسان است و آن را آیه‌ای برای مردم قرار داده است.

برخلاف قرآن که می‌گوید مریم (س) آبستن شد و با چنین وضعیتی به مکانی دور شد، انجیل لوقا توصیف دیگری به دست می‌دهد:

در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد؛ نزد باکره‌ای نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داوود. نام آن باکره مریم بود. پس فرشته نزد او داخل شد و گفت: سلام بر تو ای نعمت‌رسیده، خداوند با تو ست و تو در میان زنان مبارک هستی. چون مریم او را دید، از سخن او مضطرب و متفکر شد که این چه نوع تحیت است. فرشته گفت: ای مریم ترسان مباش؛ زیرا نزد خدا نعمت یافته‌ای. اینک حامله شده، پسری خواهی زایید و او را عیسی (ع)

خواهی نامید. او بزرگ خواهد بود و به پسرِ اعلیٰ مسمی شود. خداوند خدا تختِ پدرش داوود را به او عطا خواهد کرد. او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنتش را نیز نهایت نخواهد بود.

مریم به فرشته گفت: این چه‌گونه می‌شود؛ حال آن‌که مردی را نشناخته‌ام؟ فرشته در جواب وی گفت: روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قوت اعلیٰ بر تو سایه خواهد افکند. از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد. اینک ایصابات (همسر زکریا) از خویشان تو نیز در پیروی به پسری حامله شده، و این ماه ششم است؛ همان که او را که نازاد می‌خوانند؛ زیرا نزد خدا هیچ امری محال نیست. مریم گفت: اینک کنیز خداوند ام. مرا بر حسب سخن تو واقع شود. پس فرشته از نزد او رفت (انجیل لوقا، ۱: ۲۶-۳۸).

در **انجیل یعقوب** نیز دربارهٔ داستان آبستن شدن مریم (س) آمده است:

مریم کوزه را برداشته، بیرون رفت تا آن را از آب پر کند. دید که صدایی می‌گوید: «سلام بر تو که بسیار نعمت یافته‌ای. خداوند با تو ست. تو در میان زنان مبارک هستی». او به اطراف، به راست و چپ نگاه کرد تا ببیند صدا از کجا می‌آید. او هراسان به خانه رفت، کوزه را گذاشت، نخ ارغوانی را برداشت و بر جایگاه خود نشست تا کار خود را انجام دهد. دید که فرشتهٔ خداوند [جبرئیل؛ بنگرید به: **انجیل یعقوب**، ۱۲: ۲] (ناگهان) پیش روی او ایستاد و گفت: «ای مریم، هراسان مباش، چون تو نزد خداوند همه چیز لطف یافته‌ای و از کلمهٔ او آبستن خواهی شد. چون او این را شنید با خود اندیشید: «آیا من از خداوند خدای زنده آبستن خواهم شد و مانند همه زنان خواهم زایید؟» فرشته خداوند آمد و به او گفت: «ای مریم، نه این‌گونه، چون قوتی از خداوند بر تو سایه خواهد افکند و به همین جهت مولود مبارک تو پسر اعلا خوانده خواهد شد. تو او را عیسی خواهی نامید؛ چون او قوم خود را از گناهان‌شان نجات خواهد داد». مریم گفت: «من کنیز خداوند در پیشگاه او هستم: مطابق سخن تو بشود» (**انجیل یعقوب**، ۱۱: ۱-۳).

با مقایسهٔ این سه نقل می‌توان گفت که اولاً، هم اصل ماجرای گفتگوی مریم (س) و فرشته، و هم این‌که مریم (س) از آبستنی بدون رابطهٔ جنسی متعجب شده، در هر سه متن آمده است. آن‌چه این سه متن را از هم متمایز می‌کند جزئیات داستان است؛ نه ماهیت آن. ثانیاً، در اناجیل رسمی و **انجیل یعقوب** صریح صحبت از جبرئیل هم‌چون فرشته‌ای می‌شود که با

مریم (س) تکلم می‌کند و به عیسی (ع) بشارتش می‌دهد؛ ولی در قرآن تعبیر «روحنا» آمده است. مفسران در تعیین مصداق این روح دچار اختلاف شده‌اند (برای نمونه، بنگرید به: طباطبایی، المیزان، ۱۴/ ۳۶؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۲۱/ ۵۲۰). با این حال، کثیری از مفسران معتقد اند منظور از آن جبرئیل است (طبرسی، مجمع البیان، ۶/ ۷۸۳؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۲۱/ ۵۲۰؛ فیض کاشانی، التفسیر الصافی، ۳/ ۲۷۶؛ حویزی، نور الثقلین، ۳/ ۳۳۰). به بیان دیگر، مسلمانان در توصیفات قرآن دلیلی برای مخالفت با این ندیده‌اند که فرشته ارسالی نزد مریم (س) همان جبرئیل باشد.

ثالثاً، انجیل لوقا توصیفی از وضعیت مریم (س) هنگام تکلم با جبرئیل نمی‌کند؛ اما در قرآن سخن از اعتزال از اهل، پناه بردن به مکانی شرقی، و اتخاذ حجاب و ستر از نزدیکان به صورتی کلی و مجمل می‌رود (مریم/ ۱۷). در انجیل یعقوب داستان با بیرون رفتن مریم (س) با کوزه‌ای برای آب آوردن و شنیدن صدائی و ترسیدن و به خانه برگشتن و متمثل شدن فرشته برای وی در خانه و با وی به صحبت پرداختن آمده است. این تحریر از داستان جزئیاتی را برای مقایسه با قرآن یا حتی شاید فهم بهتر آیات قرآن در اختیار ما قرار می‌دهد.

رابعاً، در قرآن و انجیل یعقوب فرشته به مریم (س) بشارت «کلمه» می‌دهد (مقایسه کنید: انجیل یعقوب، ۱۱: ۲؛ آل عمران/ ۴۵). در انجیل رسمی نیز، خاصه در آغاز انجیل یوحنا از مسیح (ع) هم‌چون کلمه خدا سخن می‌رود.

۳-۳) وضع حمل مریم (س) در سه متن

کیفیت وضع حمل و به دنیا آوردن عیسی (ع) در قرآن به این صورت گزارش شده است:

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَّتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي
مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ
سَرِيًّا وَهَزِي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا
(مریم/ ۲۲-۲۶).

برپایه این آیات، مریم عیسی (ع) را آبستن شد و با جنین خویش در مکانی دور اعتزال گزید. سپس درد زایمان وی را پناه‌جویی از تنه نخلی کشاند؛ درحالی‌که بسیار نومید بود و می‌گفت: ای کاش قبل این مرده، و فراموش شده بودم. بعد منادی الهی به وی روحیه داد و

گفت که ناراحت نباشد؛ زیرا خدا زیر پایش چشمه آبی قرار داده است. نیز، به او گفت که تنه درخت را تکان بدهد تا برایش خرماي تازه فروریزد: بخور و بنوش و چشمانت را روشن بدار!

از اناجیل اربعه فقط در انجیل لوقا اشارات مختصری به زایمان مریم (س) شده است:

در آن ایام حکمی از اوغسطس قیصر صادر گشت که تمام ربیع مسکون را اسم‌نویسی کنند. این اسم‌نویسی اول شد، هنگامی که کیرینیوس والی سوریه بود. پس همه مردم هریک به شهر خود برای اسم‌نویسی می‌رفتند. یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره به یهودیه به شهر داوود که بیت‌لحم نام داشت رفت — که او از خاندان و آل داوود بود — تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود ثبت گردد. وقتی که ایشان در آن جا بودند، هنگام وضع حمل مریم رسید. او پسر نخستین خود را زایید، در قنடைه پیچید، و در آخور خوابانید؛ زیرا برای ایشان در منزل جا نبود (انجیل لوقا، ۲: ۷-۱).

برعکس، در *انجیل یعقوب* داستان وضع حمل مریم (س) با تفصیل بسیار و یادکرد جزئیاتی فراوان نقل می‌شود. خلاصه این داستان طولانی پیش از این یاد شد؛ همان حکایت که مریم در هم‌راهی با یوسف و فرزندانش در راه بیت‌لحم بود که درد زایمان او را فراگرفت، شوهرش در پی قابله رفت، مریم در غار زایید و قابله را از این باکره‌زایی عجب آمد....

در مقام مقایسه تحریر قرآنی داستان با تحریر اناجیل اربعه و *انجیل یعقوب* نخست باید گفت قرآن چنین بازمی‌نماید که مریم (س) از قوم خویش اعتزال جسته، سبب نیز احتمالاً ترس وی از اتهامات است. مریم (س) در موقع وضع حمل تنها و بسیار نومید است؛ تا آن‌که امدادهای الهی به کمک وی می‌آیند تا بتواند وضع حمل نماید و امیدوار به آینده گردد.

در *انجیل یعقوب* اتهام مریم (س) و یوسف قبل از ولادت عیسی (ع) حل شده است. این‌گونه، سخنی از اعتزال مریم (س) در زمان ولادت عیسی (ع) نمی‌رود. نیز، مریم (س) در موقع وضع حمل تنها نیست؛ بل که یوسف و پسرانش همراه وی اند و قابله‌ای برای کمک به او می‌آورند. اساساً در این انجیل اشاره‌ای به ناامیدی مریم (س) در موقع وضع حمل دیده نمی‌شود. باری، علی‌رغم تفاوت‌های بسیار در دو تحریر این داستان، یک وجه اشتراک کلی و مبهم در هر دو اشاره به وقوع رخدادهایی خارق‌العاده در زمان ولادت عیسی (ع) است.

۴-۳) مکشوف شدن ولادت عیسی (ع) و برائت مریم (س) از اتهام

کیفیت مکشوف شدن ولادت عیسی (ع) بر مردم و بریء شدن مریم (س) از اتهام رابطه

نامشروع هم در قرآن و هم در انجیل یعقوب آشکارا دیده می‌شود؛ ولی اناجیل رسمی به شکلی مبهم آن را بیان کرده‌اند. در قرآن کریم آمده است:

فَإِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا فَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا قَالَ إِنَّي عَبْدُ اللَّهِ أَتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أُمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (مریم/ ۲۶-۳۳).

ترجمه آیتی: پس ای زن، بخور و بیاشام و شادمان باش و اگر از آدمیان کسی را دیدی بگویی: برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی‌گویم. کودک را برداشت و نزد قوم خود آورد. گفتند: ای مریم، کاری قبیح کرده‌ای. ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زنی بدکاره. به فرزند اشاره کرد. گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم. کودک گفت: من بنده خدایم، به من کتاب داده، و مرا پیامبر گردانیده است. هر جا که باشم مرا برکت داده و تا زنده‌ام به نماز و زکات وصیت کرده است، و نیز، نیکی کردن به مادرم. و مرا جبار و شقی نساخته است. سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که دیگر بار زنده برانگیخته می‌شوم.

این‌گونه، بر پایه قرآن ظاهراً مردم تا زمان ولادت عیسی (ع) از بارداری مریم (س) خبر نداشتند و پس از آن‌که وی وضع حمل نمود با روزه سکوت نزد قوم خویش آمد. مردم نخست با وی عتاب کردند و پاکی پدر و مادرش را به یادش آوردند. مریم (س) به ایشان جواب نداد و با اشاره به ایشان فهماند که جواب خود را از کودک بخواهند. از آن پس عیسی (ع) در گهواره به سخن آمد و خود را بنده خدا، صاحب کتاب، و نبی معرفی نمود.

در میان اناجیل رسمی، فقط انجیل لوقا درباره این امر بیانی مبهم بازنموده است:

مریم (س) پسر نخستین خود را زایید. او را در قنداقه پیچیده، در آخور خوابانید؛ زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود. در آن نواحی، شبانان در صحرا به سر می‌بردند و شب‌ها پاسبانی گله خویش می‌کردند. ناگاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد، کبریای خداوند بر گرد ایشان تابید و بغایت ترسان گشتند. فرشته ایشان را گفت: مترسید؛ زیرا اینک بشارت خوشی عظیم به شما می‌دهم که برای جمیع قوم

خواهد بود. امروز برای شما در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای که مسیح خداوند باشد متولد شد. علامت برای شما این است که طفلی در قنذاقه پیچیده در آخور خوابیده خواهید یافت. در همان [لحظه] فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، تسبیح‌کنان می‌گفتند: خدا را در اعلیٰ علیین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد. چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند، شبانان با یک‌دیگر گفتند: الآن به بیت‌لحم برویم و این چیزی را که واقع شده، و خداوند آن را به ما اعلام نموده است، ببینیم. پس به شتاب رفته، مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند. چون این دیدند، آن سخنی را که دربارهٔ طفل به ایشان گفته شده بود، شهرت دادند. هر که می‌شنید از آن چه شبانان به ایشان گفتند، تعجب می‌نمود (لوقا، انجیل لوقا، ۲: ۱۸-۷).

طبق ظاهر این داستان مشکل خاصی به خاطر ولادت عیسی (ع) برای مادرش روی نداد و او هم لازم نشد که کاری در جهت اثبات بی‌گناهی خویش کند. چنین تحریری از داستان با تحریر قرآنی بس متفاوت است. تحریر بازتابیده در *انجیل یعقوب* از جهاتی با هر دو داستان تفاوت‌هایی دارد و البته از جهاتی نیز به تحریر قرآنی نزدیک است. چنان‌که پیش‌تر نیز یاد شد، در انجیل یعقوب گفته می‌شود حنای کاتب مریم (س) را حامله دید و از یوسف نزد کاهن اعظم شکایت برد. چون کاهن سخن وی را آزمود و راست یافت، سراغ یوسف و مریم فرستاد. آن دو ناپاکی را انکار نمودند (*انجیل یعقوب*، ۱۵: ۳-۱). بعد، کاهن ایشان را به آب محکومیت آزمود و هر دو سربلند شدند و خدا را تسبیح گفتند (*انجیل یعقوب*، ۱۶: ۲-۱). افزون‌بر تفاوت مشهودی که میان این سه داستان قابل توجه است باید به فرق‌هایی ظریف‌تر نیز توجه نشان داد. مثلاً، فضای داستان در *قرآن* و *انجیل یعقوب* فضای متهم بودن مریم (س) به عمل نامشروع، و تلاش وی در جهت تبرئه خود از این اتهام است. در *قرآن* تکلم فرزند در مهد وی را از این اتهام مُبرّا می‌کند. در *انجیل یعقوب* نیز خوردن آب محکومیت و رفتن به بیابان برهوت سبب برائت از این اتهام می‌شود. در انجیل لوقا اساساً فضا، فضای متهم بودن مریم (س) نیست و تلاشی از طرف وی برای رهایی از چنین اتهامی صورت نمی‌گیرد؛ بل که فرشتگان بر چوپانانی فرود می‌آیند و با دادن علامتی، خبر و بشارت عیسی (ع) را به ایشان می‌رسانند؛ چوپانان نیز نشردهندهٔ آن خبر اند و همه چیز به خوشی پایان می‌پذیرد.

نیز، در *انجیل یعقوب* سوءظن به مریم (س) و هم‌چنین رفع اتهام از وی قبل از ولادت عیسی (ع) به وقوع می‌پیوندد و تا قبل از ولادت وی همه نگرانی‌های مریم (س) بابت این رویداد پایان می‌پذیرد؛ در *قرآن* سوءظن به مریم (س) و هم‌چنین رفع اتهام زنا از وی بعد از ولادت مسیح روی می‌دهد؛ و در *انجیل لوقا* هم اساساً اتهامی مطرح نیست تا مریم (س) به مشکل بیفتد و در جهت رفع آن برآید.

نتیجه

انجیل یعقوب هم‌چون یکی از *اناجیل آپوکریفا* به داستان ولادت و کودکی مریم و ولادت عیسی (ع) به تفصیل پرداخته، و از این حیث با گزارش‌های *قرآن* کریم درباره این دو داستان قابل مقایسه است. چنین بحث‌هایی در *اناجیل* رسمی بسیار کم‌تر دیده می‌شود. *اناجیل* رسمی به ولادت و کودکی مریم (س) نپرداخته‌اند و ولادت مسیح را نیز به شکلی مبهم و البته متفاوت با *قرآن* – و هم البته با *انجیل یعقوب* – بیان کرده‌اند. داستان ولادت، کودکی و تکفل مریم (س) و هم‌چنین جزئیاتی درباره تکلم فرشته الهی با وی، آبستنی، وضع حمل و هم‌چنین رهایی مریم (س) از اتهامات در *انجیل یعقوب* شباهتی کامل با تحریرهای *قرآن* از این داستان‌ها دارند. براین پایه، مطالعه گسترده‌تر روابط بینامتنی *قرآن* با *انجیل یعقوب* ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- ۱- قرآن کریم؛ اصل عربی، نیز، ترجمه فارسی عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۴ ش.
- ۲- عهد جدید، ترجمه فارسی معاصر، تهران، آفتاب عدالت، ۱۳۶۴ ش.
- ۳- انجیل یعقوب، ترجمه فارسی، ضمیمه مقاله «تولد و کودکی عیسی (ع) در دو انجیل غیررسمی»، به کوشش عبدالرحیم سلیمانی، هفت آسمان، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۶ ش.
- ۴- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- ۵- حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- ۶- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- ۷- سلیمانی، عبدالرحیم، «اناجیل غیررسمی»، هفت آسمان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ ش، شماره ۳۴.
- ۸- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، قم، کتابخانه مرعی، ۱۴۰۴ ق.
- ۹- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، به کوشش محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۱- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
- ۱۲- فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۳- فروغی، جواد، و طالب تاش، عبدالمجید، «بررسی مقایسه‌ای ولادت عیسی (ع) در اناجیل اربعه و قرآن»، مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۳ ش.
- ۱۴- فغالی، خوری بولس، المدخل الی الكتاب المقدس، بیروت، منشورات المكتبة البولسیه، ۱۹۹۴ م.
- ۱۵- فیض کاشانی، ملامحسن، التفسیر الصافی، تهران، صدر، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۶- قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، به کوشش طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۷- کلباسی اشتری، حسین، مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۸- مظهری، فرشته، «داستان ولادت عیسی (ع) در قرآن و انجیل»، هنر، شماره ۲۸، بهار ۱۳۷۴ ش.

Bibliography

1. The Holy *Qurʾān*, the original Arabic text, and also: the Persian translation by ʿAbdul-Muḥammad Āyatī, Tehran, Soroush, 1374 SAH.
2. ʿAyyāshī, Muḥammad b. Masʿūd, *Al-Tafsīr*, Tehran, Islāmīyya, 1380 AH.
3. Bayḍāwī, ʿAbdullah b. ʿUmar, *Anwār al-Tanzīl*, Beirut, Dār Ihyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 1418 AH.
4. Faghālī, Būlus, *Al-Madkhal ʾilā al-Kitāb al-Muqaddas*, Beirut, Mnshūrāt al-Maktaba Al-Būlusīyya, 1994.
5. Fakhr Rāzī, Muḥammad b. ʿUmar, *Mafātīḥ al-Ghayb*, Beirut, Dār Ihyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 1420 AH.
6. Fayḍ Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍa, *Al-Tafsīr Al-Šāfi*, Tehran, al-Šadr, 1415 AH.
7. Forūghī, Javād, and Ṭālebtāsh, ʿAbdol-Majīd, “A Comparative Study of the Birth of Jesus in the Four Gospels and The Qurʾān”, *Qurʾānic Studies*, vol. 5, no. 19, Autumn 2013.
8. Ḥuwayzī, ʿAbd ʿAlī b. Jumʿa, *Nūr al-Thaqalayn*, Qom, ʿEsmāʿīliyyān, 1415 AH.
9. Kalbāsī Ashtarī, Ḥusayn, *An Entry on Genealogy of The Bible*, Tehran, Research Institute of Culture and Thought, 1384 SAH.
10. Mazharī, Fereshte, “The story of the Birth of Jesus in the *Qurʾān* and the Bible”, *Honar*, no. 28, spring 1995.
11. Qummī, ʿĀli b. Ibrāhīm, *Al-Tafsīr*, ed. Ṭayyīb Mūsawī Jazāʾirī, Qom, Dār al-kitāb, 1363 SAH.
12. Soleymānī, ʿAbdur-Raḥīm, “Apocryphal Gospels”, *Haft Asemān*, Issue 34, 1386 SAH.
13. Suyūṭī, ʿAbdul-Raḥmān b. Abī Bakr, *Al-Dur al-Muntbūr*, Qom, Marʿashī Library, 1404 AH.
14. Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Madjmaʿ al-Bayān*, Tehran, Naser Khosrow, 1372 SAH.
15. Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn, *Al-Mizān*, Qom, Jamāʿa al-Mudarrisīn, 1417 AH.
16. *The Book of Jacob*, Persian translation, along with the article “The Birth and Childhood of Jesus in Two Apocryphal Gospels”, by ʿAbdul-Raḥīm Soleymānī, *Haft Asemān*, vol. 9, no. 35, autumn 1386 SAH.
17. *The New Testament*, contemporary Persian translation, Tehran, Āftāb-e ʿEdālat, 1364 SAH.
18. Zamakhsharī, Maḥmūd b. ʿUmar, *Al-Kashshāf*, Beirut, Dār al-Kitāb al-ʿArabī, 1407 AH.